



تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی

(با تأکید بر رشد و گسترش علوم)

دکتر علی اکبر عباسی

دکتر محمدباقر خزائیلی

عباسی، علی‌اکبر، ۱۳۵۰ -

تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی (با تأکید بر رشد و گسترش علوم) / علی‌اکبر عباسی، محمدباقر خزائی. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: مرکز پژوهشی تمدن اسلامی و دین پژوهی پیامبر اعظم ﷺ، ۱۴۰۱.

هشت، ۲۸۶ ص. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: ۱۴۵: تاریخ اسلام؛ ۱۳۲)

ISBN : 978-600-298-409-8

بها: ۸۲۰۰۰ ریال

فهرستنويسي براساس اطلاعات فيپا.

نمایه.

۱. فرهنگ اسلامی. ۲. تمدن اسلامی. ۳. Culture, Islamic*. ۴. فرهنگ اسلامی -- ایران.

۵. Islamic civilization -- Iran. ۶. تمدن اسلامی -- تأثیر ایران. ۷. Culture, Islamic influences -- Iranian influences. ۸. Culture, Islamic -- Iran.

۹. اسلام و فرهنگ. ۱۰. Islam and culture. ۱۱. الف. خزائی، محمدباقر، ۱۳۶۱ ب. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ج. مرکز

پژوهشی تمدن اسلامی و دین پژوهی پیامبر اعظم ﷺ.

۲۹۷/۴۸

BP۲۳۳

شماره کتابشناسی ملی

۸۷۶۶۴۱۷



تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی (با تأکید بر رشد و گسترش علوم)

مؤلفان: دکتر علی‌اکبر عباسی (دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان)، دکتر محمدباقر خزائی

ناشران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و مرکز پژوهشی تمدن اسلامی و دین پژوهی پیامبر اعظم ﷺ

صفحه‌آرایی: تحریر اندیشه

چاپ اول: بهار ۱۴۰۱

تعداد: ۳۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم- سبحان

قیمت: ۸۲۰۰ تومان

کلیه حقوق برای ناشران محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نبش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰

۳۷۱۸۵-۳۱۵۱. نمبر: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص.پ.

تهران: خ اقبال، بین وصال و قدس، کوی اسکو، پلاک ۴، تلفن: ۰۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir info@rihu.ac.ir

فروشگاه اینترنتی: <http://rihu.ac.ir/fa/book>

مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶

قم: ۴۵ متری صدوقی، بلوار فردوسی، نبش کوچه ۱۰، جنب الکترونیکی، ساختمان باران، واحد یک، مرکز پژوهشی تمدن

اسلامی و دین پژوهی پیامبر اعظم ﷺ، تلفکس: ۳۲۹۰۸۵۵۷، کدپستی: ۳۷۱۶۸۸۹۵۴۱

tad.center1397@yahoo.com

<https://tamadonpajoh.ir>

سخن ناشران

نیاز گسترده جوامع علمی حوزه‌ی دانشگاهی به منابع و متون درسی در رشته‌های علوم انسانی حقیقتی انکارناپذیر است. برای رفع این نیاز، مراکز پژوهشی با توجه به محدودیت‌های موجود، می‌توانند با یاری و همکاری یکدیگر، آثار مشترکی تدوین و ارائه کنند تا افزون بر ارتقای کمی و کیفی پژوهش‌ها، از تکرار و موازی کاری جلوگیری شود. از این رو، «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» و «مرکز پژوهشی تمدن اسلامی و دین پژوهی پیامبر اعظم ﷺ» برای نیل به هدف یادشده، دومین کار مشترک خود را با عنوان «تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی» به جامعه علمی تقدیم می‌کنند.

این کتاب سرفصل‌های مصوب درس تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی دوره کارشناسی همه رشته‌ها و نیز فرهنگ و تمدن اسلامی دوره کارشناسی ارشد رشته تاریخ را پوشش می‌دهد. از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان لازم می‌دانیم از تلاش‌های مؤلفان محترم اثر، آقایان دکتر علی‌اکبر عباسی و دکتر محمدباقر خزائیلی نجف‌آبادی و نیز از ارزیاب محترم، جناب آقای دکتر سید ضیاء الدین میر‌محمدی، سپاسگزاری کنیم.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه مرکز پژوهشی تمدن اسلامی و دین پژوهی پیامبر اعظم ﷺ

فهرست مطالب

۱	مقدمه
فصل اول: کلیات	
۵	تعریف تمدن
۵	معنای لغوی واژه تمدن
۶	معنای اصطلاحی تمدن
۷	نگاه ریشه‌شناختی به تمدن
۸	تعریف فرهنگ
۹	رابطه فرهنگ و تمدن
۱۰	عوامل ایجاد و پیشرفت تمدن‌ها
۱۸	تمدن اسلامی
۱۹	اهمیت تمدن اسلامی
۲۰	آغاز توجه متفکران مسلمان به تمدن اسلامی
۲۲	عناصر سازنده تمدن اسلامی
۲۵	مؤلفه‌های تمدن اسلامی
۲۵	۱. اندیشه جهانی، جهان‌شمولی و نبود مرز و محدوده
۲۵	۲. تساهل و مدارا
۲۶	۳. سادگی و سهولت احکام اولیه اسلامی
۲۶	۴. تبلیغی و بازبودن اسلام
۲۷	۵. تعادل در نگرش میان دنیا و عقبا
۲۷	۶. تأکید بر عدالت و برابری اقوام و نژادها
۲۸	۷. ایجاد زمینه فکری برای گسترش نهضت علمی
۲۹	هويت ايراني، ميراث اسلامي

فصل دوم: عوامل شکوفایی علوم در تمدن اسلامی

۳۲.....	تبلیغ اسلام به دانش و دانش‌آندوزی
۳۵.....	نفوذ نظامهای طبقاتی
۳۸.....	رواج کاغذ و تأسیس کتابخانه‌ها
۴۱.....	روش علمی دانشمندان مسلمان
۴۳.....	نقش خاندان‌ها و وزرای دانش‌دوزت در توسعه علوم
۴۸.....	تساهل و تسماح حکومت‌ها
۵۰.....	مراکز علمی و آموزشی
۵۱.....	مسجد
۵۲.....	دارالعلم
۵۳.....	نظمامیه
۵۴.....	ربع رشیدی
۵۵.....	مدرسه
۵۶.....	بیمارستان
۵۷.....	زمینه‌سازی رشد علمی جامعه اسلامی
۵۸.....	نهضت ترجمه
۶۲.....	تمدن ایرانی
۶۴.....	تمدن یونانی
۶۸.....	تمدن هندی
۶۹.....	تمدن سُریانی

فصل سوم: علم در اسلام

۷۱.....	مفهوم علم
۷۳.....	علل رویکرد مسلمانان به علوم
۸۰.....	طبقه‌بندی علوم
۸۳.....	علوم نقلی
۸۳.....	کلام
۸۸.....	منطق
۹۲.....	علم قرائت
۹۳.....	علم حدیث
۹۸.....	علم تفسیر
۱۰۱.....	عرفان و تصوف
۱۰۵.....	ادیبات عربی
۱۰۹.....	ادیبات فارسی
۱۱۴.....	علوم عقلی

۱۱۴.....	طب
۱۲۸.....	کیمیا
۱۳۳.....	علم الحیل (مکانیک)
۱۳۹.....	ریاضیات
۱۴۴.....	نحوه
۱۴۹.....	فلسفه
۱۵۵	تاریخ
۱۶۷.....	جغرافیا

فصل چهارم: سازمان و تشکیلات تمدن اسلامی

۱۷۷.....	تشکیلات سیاسی
۱۷۸.....	مراکز حکومت در جامعه اسلامی
۱۸۹.....	سازمان اداری و اجتماعی
۱۹۰.....	دیوان‌های اسلامی
۱۹۲.....	ساختم آموزشی تمدن اسلامی

فصل پنجم: هنر و معماری در اسلام

۲۱۰	هنر اسلامی
۲۱۱.....	ارتباط معنویت و هنر اسلامی
۲۱۵.....	نقاشی و نگارگری
۲۱۶.....	خطاطی و خوشنویسی
۲۱۷.....	موسیقی
۲۱۸.....	سفالگری
۲۱۹.....	معماری

فصل ششم: تأثیر تمدن اسلامی بر تمدن جدید غرب

۲۳۱.....	انتقال دستاوردهای ریاضیات مسلمانان به اروپا
۲۳۲.....	ترجمه آثار طبی دانشمندان اسلامی به زبان‌های لاتینی
۲۳۴.....	تأثیر آرای و نظریات فلسفی مسلمین بر فلسفه جدید غرب
۲۳۵.....	تأثیر دستاوردهای نجومی مسلمانان بر انقلاب علم نجوم در اروپای قرون جدید
۲۳۶.....	جغرافیایی اسلامی و تأثیرگذاری آن بر رشد علم جغرافیا در مغرب زمین
۲۳۷.....	تأثیر تاریخ‌نویسی مسلمین بر تاریخ‌نگاری جدید غرب
۲۳۹.....	تأثیر شیوه‌های معماری مسلمانان بر معماری اروپا
۲۴۰	مستشرقان و تمدن اسلام و ایران

فصل هفتم: عوامل انحطاط تمدن اسلامی

۲۴۵.....	استبداد و خودرأی حکام مسلمان.....
۲۴۷.....	رواج جریان‌های ضد عقلی در جهان اسلام.....
۲۴۷.....	خشونت و تعصب مذهبی.....
۲۴۸.....	حمله مغولان و تأثیر آن بر انحطاط تمدن اسلامی.....
۲۴۹.....	صلیبیون و تمدن اسلامی.....
۲۴۹.....	رنسانس، انقلاب صنعتی و از خود بیگانگی در کشورهای اسلامی.....

فصل هشتم: ظرفیت‌های تمدنی جهان اسلام

۲۵۱.....	پراکندگی جمعیت و وسعت سرزمینی در عین بیگانگی.....
۲۵۲.....	معارف عقلی و انسانی.....
۲۵۲.....	توان ارتباطی و تنوع زبانی.....
۲۵۳.....	جهان‌شمولی و فرا قومی، زبانی، جغرافیایی و.....
۲۵۳.....	موقعیت استراتژیک و منابع سرشار.....
۲۵۴.....	وضعیت کنونی جهان اسلام.....
۲۵۸.....	اسلام و جهانی شدن.....
۲۶۰.....	جهانی شدن یا جهانی‌سازی.....
۲۶۲.....	ظرفیت‌های جهان اسلام در عصر جهانی شدن.....
۲۶۵.....	جهان‌گرایی اسلام، مبتنی بر اخلاق، معنویت و فطرت.....
۲۶۷.....	منابع و مأخذ.....
۲۷۴.....	مقالات.....
۲۷۸.....	منابع و مأخذ انگلیسی.....

نمایه‌ها

۲۷۹.....	نمایه اشخاص.....
۲۸۲.....	نمایه مکان.....
۲۸۴.....	نمایه کتابها.....

مقدمه

تفاوت بشر با سایر جانداران در داشتن شعور اجتماعی است که بازتاب آن در فرهنگ و تمدن خودنمایی می‌کند. هرچند میزان برخورداری افراد بشر در همه دوره‌های تاریخی از نمودهای فرهنگی و تمدنی یکسان نبوده است و در هر دوره هم افراد و جوامعی از دیگر معاصرانشان برتر و بالاتر بوده‌اند در زمینه پیشرفت‌ها و اختراعات بشری به طور تقریبی همه نژادها در دوره‌های مختلف سهیم بوده‌اند و تمدن‌های عالی شکل گرفته در جهان وامدار تمدن‌های مطرح و شاخص قرن‌های قبل از خودشان بوده‌اند تمدن‌های جهانی در عصرها و قرن‌ها مختلف و در قاره‌های متفاوت و با شاخصه‌های گوناگون به وجود آمده‌اند که یکی از آنها تمدن بزرگ و باشکوه اسلامی است.

شناخت فرهنگ و تمدن اسلامی از ضروریّات جامعه اسلامی و ایرانی ماست. هر مسلمان ایرانی به حکم مسلمان بودن و به حکم ایرانی بودن باید از هویّت دینی و ملّی خویش و افتخارات فرهنگی و تمدن مردم سرزمینش آگاه باشد. آگاهی از نمودهای فرهنگی و شاخه‌های مختلف تمدن می‌تواند در ایجاد اعتماد به نفس، روحیه گرفتن جهت تمدن‌سازی، پرورش و شکوفایی استعدادها، کشف خلاقيّت افراد و از قوه به فعل درآمدن اندیشه‌های نخبگان جامعه مؤثر باشد. کسانی که از پيشينه تمدن و هویّت خویش آگاهی ندارند و يا افتخارات تمدن ملت خویش را به تمسخر می‌گيرند، آگاهانه يا ناآگاهانه به سمت و سوي وطن‌فروشی حرکت می‌کنند.

اعتلای فرهنگ و تمدن اسلامی- ایرانی در دوران طلایی آن بحثی نیست که تنها مورد توجه پژوهشگران ایران و جهان اسلام قرار گرفته باشد: بسیاری از نویسندهای منصف همه کشورهای

۲ تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی (با تأکید بر رشد و گسترش علوم)

جهان در این باره تحقیق نموده و کتاب‌ها و مقالاتی را نگاشته و به عظمت آن اذعان کرده‌اند. بسیاری از مستشرقان خلاقیت و ابتكار تمدن اسلامی را تحسین کرده و از آن تمجید زیادی نموده‌اند و افرادی از پژوهشگران غربی، مسلمانان را پایه‌گذار رنسانس غربی می‌دانند. برخی از پژوهشگران نیز که درباره تمدن جهانی قلم زده‌اند و مباحث تمدن اسلام و ایران را در آن گنجانده‌اند. نکته جالب توجه اینکه در تمدن اسلامی ایرانیان مؤثرترین نقش را در توسعه علوم ایفا کرده‌اند. بزرگ‌ترین مشاهیر و دانشمندان تمدن اسلامی در علوم عقلی و اسلامی و حتی در توسعه ادب عربی ایرانی هستند. ابن سینا و رازی بزرگ‌ترین پژوهشگران تمدن اسلامی، بیرونی بزرگ‌ترین جغرافی دانان مسلمان، خوارزمی شاخص‌ترین ریاضی دان مسلمین و بنوموسی (فرزندان موسی بن شاکر خراسانی) شاخص‌ترین مکانیک دانان اسلامی، ایرانی بودند و هرچند درباره اصالت شخصیت‌هایی چون جابر بن حیان (ازدی عرب یا طوسي خراسانی) و ابن‌هیثم بصری بحث است؛ ولی محل پژوهش آنان کوفه و بصره در قلمرو ایرانشهر بود که در محدوده ایران عهد ساسانی قرار می‌گرفت. کتاب حاضر خلاصه‌ای از فرهنگ و تمدن اسلامی بهویژه در دوران طلایی آن است که در شش فصل خلاصه شده‌است:

در فصل اول به بیان مباحث مقدماتی فرهنگ و تمدن، تعاریف (معنای لغوی و اصطلاحی فرهنگ و تمدن)، رابطه بین فرهنگ و تمدن، عوامل موجوده و انحطاط تمدن‌ها پرداخته شده و با ذکر نمونه‌ها و مثال‌هایی مباحث تبیین شده است؛ فصل دوم درباره دلایل رشد سریع علوم و فنون در جهان اسلام، مراکز علمی مهم آن و همچنین زمینه‌های اعتلای تمدن اسلامی بحث شده است؛ در فصل سوم به وضع شاخه‌های مختلف علمی در قرون طلایی تمدن اسلامی پرداخته شده است. این علوم شامل علوم عقلی و نقلی و نیز اسلامی و غیر اسلامی می‌شود در این فصل وضع علوم مقارن پیدایش اسلام و در دوران اوچ‌گیری تمدن اسلامی و خلاقیت‌های ایجاد شده در هر شاخه علمی توسط ایرانیان و مسلمانان بیان گردیده است؛ فصل چهارم تحت عنوان سازمان و تشکیلات تمدن اسلامی به بررسی ساختار اداری، آموزشی و اجتماعی تمدن اسلامی پرداخته و از تحول در دیوان‌ها نیز غفلت نشده است؛ فصل پنجم به هنر و معماری در اسلام اختصاص یافته است. در این فصل خلاصه‌های مسلمانان وضع هنر و معماری ایران اسلامی و کل جهان اسلام می‌شود در این فصل سبک‌های مختلف معماری جهان اسلام (پنج مکتب معماری) و ایران اسلامی (چهار مکتب معماری) با ذکر نمونه‌هایی بررسی و

تجزیه و تحلیل شده است؛ فصل ششم و پایانی کتاب مربوط به تأثیرگذاری تمدن اسلامی بر تمدن و دول جدید غربی است که به طور اجمالی با تأکید بر بررسی آثار ترجمه شده از عربی به لاتین و انتقال نوآوری های مسلمانان بحث می شود و درباره آثار مستشرقان درباره تمدن اسلامی نیز بحثی مختصر ارائه شده و به نمونه هایی از کتب غربی ها درباره تمدن اسلام و ایران که به زبان فارسی نیز ترجمه شده است اشاره دارد. آخرین بحث کتاب درباره دلایل افول تمدن اسلامی و فاصله گرفتن آن از دوران اوج است. تقابل جامعه اسلامی با جامعه جهانی و مسئله جهانی شدن است که جامعه اسلامی را به عنوان بخشی از جامعه جهانی در مسیر جدید و تحولات نوینی قرار داد.

امید است این کتاب دانشجویان و پژوهشگران را به کار آید و علاقه آنان را برای مطالعه بیشتر در زمینه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی بر انگیزد.

در پایان بر خود فرض می دانیم از فرهیخته ارجمند و مدیر محترم گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه جناب حجت الاسلام والمسلمین رمضان محمدی که زمینه انتشار این اثر را به وجود آورده سپاسگزاری کنیم. همچنین از جناب آقای اسماعیل یارمحمدی که افزون بر امور اداری مربوط به طرح، کار نمایه گیری و روخوانی نهایی متن را نیز بر عهده داشته تشكیر می کنیم. در این مجال فرصت را مغتمم می شماریم و از جناب آقای دکتر سید ضیاء الدین میر محمدی که ضمن ارزیابی این اثر با نکات ارزشمند خودشان بر غنای این اثر افروزند سپاسگزاری می نماییم.

فصل اول

کلیات

در این فصل به مباحث کلی مربوط به تحقیق پرداخته می‌شود. تعریف لغوی و اصطلاحی تمدن و فرهنگ و تفاوت فرهنگ و تمدن همچنین بررسی دلایل و شرایط موجوده آن و نیز عواملی که باعث انحطاط و نابودی تمدن‌ها می‌شوند، در این فصل مورد بررسی قرار می‌گیرد. در واقع در این فصل به این سؤال پاسخ داده می‌شود تمدن چیست؟ و اینکه چرا برخی از افراد بشر تمدن عالی تری نسبت به دیگران را پایه‌ریزی کرده‌اند؟ و چرا برخی از تمدن‌های بزرگ بشری نابود شده‌اند؟ چرا افراد بشر در دوره‌های مختلف شرایط تمدنی یکسانی نداشته‌اند؟ آیا تمدن‌های بزرگ بشری همواره در ناحیه خاصی از جهان رشد و نمو کرده‌اند و یا مشعلدار تمدن همیشه از نژاد خاصی بوده است؟

تعریف تمدن

محققان درباره تعریف تمدن نظر واحدی ندارند درحالی‌که برخی آن را جزئی از فرهنگ می‌دانند افرادی نیز معتقدند تمدن فراتر از فرهنگ و عامتر از آن است و در واقع فرهنگ جزئی از تمدن است این دو واژه معمولاً در کنار هم به کار می‌رود و ارتباط نزدیکی با هم دارد. ما در این پژوهش تعریف شایع‌تر و منطقی‌تر را مبنا قرار داده‌ایم و مصداق‌های آن را بر می‌شماریم.

معنای لغوی واژه تمدن

واژه «تمدن» از «مدن» گرفته شده و کلمه «مدن» جمع «مدينه» به معنای شهر و شهرنشینی ترجمه لاتین آن «Civilisation» و یا «Civilisation» انگلیسی و «Civilisation» فرانسوی آن

۶ تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی (با تأکید بر رشد و گسترش علوم)

نیز تقریباً همین معنا را در برابر می‌گیرد. ریشه هر دو کلمه از فعل «Civiliser» به معنای رهایی از وضعیت ابتدایی می‌باشد. در عربی «حضاره» برای تمدن و شهرنشینی و تجهیزات صنعتی به کار رفته و واژه «الثقافه» را به معنی تمدن معنوی و فرهنگی به کار برده‌اند.

بدون شک از زمانی که بشر یک جانشین شدو اجتماعات بزرگ شهری را به وجود آورد، رشد تمدنی سریع‌تری را کسب کرده است. مردم یک جانشین فرصت بیشتری برای استفاده از عقل و تدبیر یکدیگر داشتند. تمام تمدن‌های عالی بشری از عهد باستان تا دوران معاصر دارای شهرهای مهمی بوده و یا در ذات خود باعث پیدایش و گسترش شهرها شده‌اند. تمدن‌های عهد باستان، سومر، آکد، بابل، آشور، یونان باستان، ایران، هند و چین باستان و تمدن اسلامی در قرون اوچ‌گیری آن، تمدن جدید غرب و... دارای شهرهایی بزرگ بوده‌اند.

معنای اصطلاحی تمدن

محققان دیدگاه واحدی را درباره تعریف تمدن ندارند و به صورت‌های متفاوتی آن را تعریف نموده‌اند در این کتاب بر مبنای تفاوت انسان و سایر جانداران و امتیاز خاص بشر بر سایر جانداران تعریف تمدن ارائه شده است. به مجموعه دستاوردهای مادی و معنوی بشر در طول تاریخ که با تکیه بر اندیشه و اراده وی حاصل شده است، تمدن گفته می‌شود، یا به بیانی دیگر مجموعه اندوخته‌های مادی و معنوی بشر در یک جامعه تطور یافته است. بشر از سایر جانداران به جهت داشتن قدرت تفکر، استدلال، خلاقیت و اراده و قدرت انتخاب متمایز است. تمام آنچه را که بشر در طی قرون متمادی با کمک اندیشه و اراده به دست آورده تمدن است، چه اینکه این دستاوردها مادی باشد یا معنوی تفاوتی نمی‌کند.

انسان و سایر مخلوقات در داشتن غرائز با هم مشترکند؛ ولی قدرت تفکر و انتخاب مختص انسان است. دلیل اینکه زندگی بشر در طول تاریخ در حال دگرگونی و رو به رشد و پیشرفت بوده در همین مسئله نهفته است. بسیاری از حیوانات و یا حتی حشرات ممکن است زندگی منظم، دقیق و با برنامه‌ای داشته باشند؛ ولی تمام فعالیت‌های آنها غریزی است و در طی میلیون‌ها سال هیچ تغییری نکرده است؛ این درحالی است که بشر با قدرت اندیشه و تلاش و پشتکار خستگی ناپذیر توانسته است تسلط خود بر جهان را توسعه دهد و محیط زندگی خود را هر روز بیشتر از دیروز به خدمت خویش درآورد. هر آنچه را که در آن نقش انسان هویدا باشد جزء

تمدن محسوب می‌شود. تمدن مربوط به انسان است و حوادث طبیعی که در زندگی انسان و اجتماعات بشری تأثیرگذار بوده می‌تواند آثار منفی یا مثبتی بر تمدن نیز داشته باشد. با این تعریف تمدن گستره بسیار وسیعی را دربر می‌گیرد، تمام خطوط و الفباهای علوم و فنون، ابزارآلات تولید، آداب و رسوم تکامل یافته و حکومت‌های دیکتاتوری تا مردمی و پیشرفتی، ساختن خانه‌های معمولی تا آسمان‌خراش‌ها، صنایع ابتدایی سفال و شیشه و فلزات تا پیچیده‌ترین کارخانجات صنعتی، راه‌های ساده روستایی تا مدرن‌ترین اتوبان‌ها و ساخت فضایپماها و توسعه ادیان و... جزء تمدن محسوب می‌شود.

نگاه ریشه‌شنناختی به تمدن

مفاهیم و واژگان را نباید دست کم گرفت می‌دانیم که در ادبیات و مجموعه مفاهیم و واژگان دینی مفهوم و واژه تمدن به کار نرفته است. چرا؟ آیا واژگانی معادل یا نزدیک یا در واقع مخالف این مفهوم را می‌توان سراغ گرفت؟ در غرب civilization یعنی چه؟ این واژه کی و چرا به فارسی ترجمه شده است؟ عرب‌ها civilization را چه ترجمه کرده‌اند و چرا؟ آیا تمدن اسلامی به معنای civilization ممکن است و مفهومی متناقض نیست در قرآن در مقابل این مفهوم چه چیزی استفاده شده است؟ در نگاه غربی تاریخ از توحش و میمونیت آغاز می‌شود. ما در آغاز جنگل‌نشین بوده‌ایم و با سرد شدن هوا به غار پناه برده‌ایم و شکارچی بوده‌ایم و سپس حیوانات را اهلی کرده‌ایم و شده‌ایم عشاير و کوچ‌نشین و گله‌دار و پس از هزاران سال دریافت‌هایم که می‌توان گیاهان را کاشت سپس آرام آرام از حرکت بازیستاده‌ایم و cultureation را یعنی کشاورزی را اختراع کرده‌ایم و شده‌ایم روستانشین و یکجانشین. از روستاهای شهرها به وجود آمده‌اند و شهرها محل تمدن یا بهتر بگوییم civilization هستند تا پیش از شهرنشینی این واژه را نداریم. با این برداشت مراحل قبلی پیشاتمدنی محسوب می‌شود و با شهرنشینی است که civilization آغاز می‌شود. civilization در غرب با یکجانشینی و شهر در هم آمیخته است و جالب آنکه فرهنگ نیز با کشاورزی هم‌زمان و هم‌معناست به گونه‌ای که cultureation و agriculture با هم هم‌ریشه و قریب‌المعنى هستند.

عرب‌ها civilization را بهتر ترجمه کرده‌اند و آن را الحضاره نامیده‌اند حضر مخالف سفر است و گاه در اسم فاعل مخالف بادیه و بیابان و به معنای شهر استفاده می‌شود (فی الحاضر و البادی)

حضاره به لفظ civilization بسیار نزدیک در لاتین معنای شهر و یکجانشینی می‌دهد و دقیقاً ترجمه حضر می‌شود وقتی پسوند tion اضافه می‌شود معنای مصدری می‌گیرد و از این نظر ترجمه حضاره برای آن بسیار مناسب است. در معجم‌های عربی هم حضاره را شهرگردی و شهرنشینی تعریف کرده‌اند در دیکشنری‌های انگلیسی هم عیناً همین‌گونه است. به نسبت الحضاره عربی از تمدن فارسی قرابت بیشتری با civilization دارد. در مجموع با توجه به نوع نگاه مسلمانان به تاریخ و عدم متصور شدن حرکت خطی تاریخ، نمی‌توان ترجمه‌های civilization در زبان‌های جهان اسلام را خیلی دقیق و منطبق با لاتین آن دانست.

تعريف فرهنگ

پژوهشگران درباره فرهنگ هم مثل تمدن تعريف واحدی را ارائه نداده‌اند.^۱ تعريف این اصطلاح را گاه تعلیم و تربیت دانسته و برخی نیز به تفصیل آن را مجموعه پیچیده‌ای از دانستنی‌ها، اعتقادات، هنرها، اخلاقیات و عادات دانسته‌اند که فرد از محیط اجتماعی خود به ارث می‌برد.^۲ فرهنگ بیشتر دستارودهای معنوی بشربا تکیه بر ذهن و اندیشه و با استفاده از قدرت خلاقیت افراد بشردر طی قرون و سالیان متمادی زندگی برکره خاکی است. با این تعريف فرهنگ بخشنی از تمدن و در واقع جنبه‌های معنوی و غیر عینی آن مثل آداب و رسوم، معارف، باورهای حکومت، دین، هنر، اخلاق، قانون، سنت و... را شامل می‌شود. ادب و اخلاق تماشاگران فوتیال یک کشور، نوع حکومت‌ها و برخوردها و انتظارات مردم از دولتها و حتی نوع دین و معتقدات^۳ و جشن‌های یک ملت می‌تواند جنبه‌هایی از سطح فرهنگی یک کشور و منطقه را نشان دهد. در واقع به یک تعییر «فرهنگ جان‌مایه زندگی و نمایشگاه جلوه‌های پرجاذبه حیات است که نتیجه خردورزی و دریافت عقلانی یا زاده ذوق و عاطفه انسانی است»^۴ مثل تمدن فرهنگ را نمی‌توان به زمانی مشخص، جایی معین یا حادثه‌ای خاص منحصر دانست، بلکه

۱. پهلوان، فرهنگ‌شناسی، ص ۱۷؛ آشوری، تعريف‌ها و مفهوم فرهنگ، ص ۱۱۴-۱۳۳.

2. E.B.Tylor, *Primitive Culture* londres, 1871.

۳. مثل اعتقادات بتپرستی عرب عهد جاهلی در قرن هفتم میلادی که نشانگر ضعف فرهنگی آنها نسبت به ملت‌های همجوارشان بود.

۴. محصل، از شوکتی تا دولتی، ص ۱۵.

حاصل تلاش و نتیجه دریافت میلیون‌ها انسان در طی قرن‌ها و در سرزمین‌های مختلف است که به واسطه جاذبه‌های خاص، بر جستگی یافته و به صورت باورهای دینی، سنت‌های اجتماعی یا شیوه‌های رفتاری پذیرفته شده است. ضمن اینکه باید به این موضوع توجه داشت برخلاف تمدن، فرهنگ پویا است و در گذر زمان دچار تغییراتی می‌شود که گاه این تغییرات مثبت و یا منفی می‌باشد و گاه منجر به تعاملات فرهنگی می‌شود و گاه منجر به تهاجم فرهنگی یک جامعه به جامعه دیگر. در اصطلاح می‌توان گفت آنچه عرف جامعه نامیده می‌شود و تحت عنوان قوانین عرفی شناخته می‌شود، فرهنگ است. فرهنگ قابل تقسیم به زیرمجموعه‌هایی همچون فرهنگ فردی، فرهنگ خانواده، فرهنگ شهری، فرهنگ قومی و نهایتاً فرهنگ ملی در یک جامعه می‌باشد و در عین حال باید توجه داشت که برخلاف تمدن که برای ایجاد آن و تمدن‌سازی نیازمند ایجاد زیرساخت‌هایی چون جغرافیا، نیروی انسانی و حاکمیت مقتدر می‌باشد. فرهنگ الزاماً نیازمند این زیرساخت‌ها نمی‌باشد و در نتیجه می‌توان گفت همه جوامع دارای فرهنگ هستند و چه تمایز یک جامعه از جامعه از جامعه دیگر در حوزه فرهنگ در یک جامعه در طول سالیان باقی می‌ماند و جوامع آن را حفظ می‌کنند تحت عنوان سنت‌های فرهنگی می‌شناسیم که به تعبیری معرف تمدنی آن جامعه می‌باشد. از جمله در این نسبت‌های فرهنگی در جامعه شیعه ایران می‌توان عید نوروز و عزاداری عاشورا را نام برد که جزوی از سنت‌های فرهنگی جامعه است که در طول سالیان دراز با وجود همه تحولات اجتماعی، دینی و... در آن جامعه حفظ شده و جامعه همچنان بدان باور دارد.

رابطه فرهنگ و تمدن

با تعریف ارائه شده در بالا، فرهنگ و تمدن رابطه عموم و خصوص مطلق را دارند، بدین معنی که تمام دستاوردهای فرهنگی، دستاوردهای تمدنی نیز هستند؛ ولی همه دستاوردهای تمدنی، دستاوردهای فرهنگی نیستند و تنها بخشی از آثار تمدنی، دستاوردهای فرهنگی به شمار می‌آید. برخی از دستاوردهای فرهنگی به آسانی قابل ارزیابی نیستند به همین جهت مقایسه فرهنگی جوامع از لحاظ برتری و امتیاز دادن به یکدیگر سخت و گاه غیرممکن است. هرچند مقایسه تمدن آنان آسان است مشاهده صنایع بزرگ، شهرهای منظم، راه‌ها و اتوبان‌ها که از نمودهای

تمدن هستند می‌توان عینی‌تر مقایسه و بررسی کرد؛ اما برتری دادن آداب و رسوم و هویت و طرز نگرش‌ها و اعتقادات گروهی بر گروه دیگر نمی‌تواند مبنای اساسی داشته باشد.

فرهنگ هر جامعه‌ای باعث همبستگی و همکاری بین افراد جامعه می‌شود که آن جامعه را از سایر جوامع مشخص و متمایز می‌سازد. فرهنگ هر جامعه ارزش‌ها و معیارهای خاص خود را دارد و فرهنگ هر جامعه به عنوان ناظر و مراقبت اعمال و کردار افراد جامعه است و یک نوع کنترل نامرئی بر افراد جامعه، طرز لباس پوشیدن، رفتار کردن و... دارد.

دستاوردهای تمدنی تمدن‌های بزرگ به جهت آثار و دستاوردهایی که باعث تسلط بشر بر جهان می‌شود، به سرعت به سایر جوامع منتقل می‌شود و حتی می‌تواند باعث دگرگونی اساسی در چهره ظاهری، نوع ارتباطات و یا شیوه ستیزها در جهان شود؛ ولی دستاوردها و ویژگی‌های فرهنگی یک جامعه ممکن است در برابر هجوم فرهنگی سایر جوامع به شدت مقاومت نشان دهد و قرن‌ها از سنت‌های فرهنگی خویش دفاع کند.

تمدن‌های زیادی در مناطق مختلف جهان پدید آمده است و در برخی موارد پس از گذراندن دوران طلایی به انحطاط دچار شده و از بین رفته‌اند. در هیچ دوره‌ای از تاریخ زندگی بشر بر روی زمین، تمام جوامع پیشرفت یکسانی نداشته‌اند با اینکه قدرت اندیشه و اراده در همه افراد بشر وجود دارد؛ ولی ما شاهد سطح متفاوت تمدنی در جوامع مختلف هستیم، پیشرفت و انحطاط تمدن‌ها معلول عواملی است که در این بخش به آن پرداخته خواهد شد.

عوامل ایجاد و پیشرفت تمدن‌ها

۱. ضرورت‌ها و نیازها: یکی از مهم‌ترین عواملی که باعث به کارگیری قدرت اندیشه توسط انسان‌ها و فعالیت یافتن استعدادهای آنها شده، تلاش در جهت بهتر زیستن و رفع نیازها و ضرورت‌های روزمره زندگی بوده است. در واقع نبوغ و خلاقیت در اختیار همه افراد بشر در همه دوران‌ها بوده است؛ ولی اختراعات ابتكارات بیشتر زمانی صورت گرفته که انسان احساس نیاز نموده و مدت‌ها به موضوع خاصی فکر کرده و دل‌مشغولی زیادی داشته است. درگیری فکری و به کارگیری مغزها جهت رفع نیازها باعث بزرگ‌ترین اختراقات در طول تاریخ بوده است. در اینجا به نمونه‌هایی از دستاوردهای تمدنی بر مبنای رفع نیازها اشاره‌ای می‌شود: تاریخ زیست بشر دست‌کم چند میلیون سال و بلکه چندین میلیون ساله است؛ ولی از اختراق نخستین خط‌ها

بیش از ۵ یا ۶ هزار سال نمی‌گذرد. افراد بشر با وجود داشتن تفکر و مغز مستعد اختراع خط تا زمانی که احساس نیازی بدان نداشتند، این مهم را اختراع ننمودند؛ ولی همین که ضرورت اختراع آن احساس شد در نقاط مختلف جهان خطهای باستانی به وجود آمد. آثار کاوش شده در منطقه در معروف به تپه یحیی در کرمان نشانگر رواج تجارت و پیدایش نوعی خط تصویری در آن منطقه در شش هزار سال پیش (حدود چهار هزار سال قبل از میلاد مسیح المیلاد) می‌باشد. همچنین زمانی که شهرها در کنار رودهای دجله و فرات ایجاد شد و دولت سومر پدید آمد و زمانی که در دره نیل شهرهای زیادی ساخته شد و تجارت بین شهرها گسترش یافت احساس نیاز شدیدی به نوعی وسیله ارتباطی جهت سهولت در امر تجارت احساس شد و این دغدغه فکری بشر و درگیر شدن ذهن او در نهایت منجر به اختراع خطهای میخی در میان دو رود (میان رودان = بین النهرین) و هیروگلیفی در مصر گردید، همچنین بشر میلیون‌ها سال بر روی زمین زندگی می‌کرد فقط به فکر خانه‌سازی نبود؛ ولی زمانی که کشاورزی را اختراع کرد لازم بود از جایه‌جا شدن بر روی کوه‌ها و دشت‌ها و پناه گرفتن در غارها پرهیز کند و در کنار زمین کشاورزی، به مراقبت از آن پردازد و از سویی نیز نیازی نبود برای پر کردن شکم خویش مدام جایه‌جا شود؛ با این حال مشکل سرما و گرما و حضور درندگان در کنار مزارع کشاورزی وجود داشت و این معضل و مشکل را بشر با کمک قوه تعقل حل نمود و خانه‌سازی را اختراع کرد. بین اختراع کشاورزی و خانه‌سازی فاصله زمانی زیادی نیست و زمانی که بشر احساس نیاز به یک‌جانشینی کرد با کمک عقل خویش راه حلی برای آن یافت و یک‌جانشین شد، با یک‌جانشینی بشر، رشد و توسعه تمدنی او سریع تر شد. در دوران معاصر نیز بیشترین اختراعات در زمینه‌هایی است که بشر احتیاج داشته و دانشمندان تلاش خویش را برای رفع نیاز و یا حل یک معضل و مشکل جامعه به کار گرفته‌اند. بیشترین اختراقات و ابتکارات پژوهشی در زمینه درمان بیماری‌هایی است که باعث رنج جامعه بشری است. احساس نیاز به سیستم‌های رایانه‌ای کم حجم با حافظه قوی و رایانه‌هایی که برای عوام قابل استفاده و حمل باشد باعث تحول گستردگی در این فن در سال‌های اخیر شده است. زمانی که احساس نیاز به تحول در صنعت نظامی وجود داشته این شاخه نیز گسترش روز افروزی یافته است. تحول در صنعت هوایپیماسازی در سال ۱۹۱۸–۱۹۱۴م، بسیار بیشتر از سال‌های پیش از آن بود. تکحال‌های پرنده سال ۱۹۱۴م، با بمب افکن‌های سال ۱۹۱۸م، قابل قیاس نبودند و احساس نیاز به یک برگ برنده در جنگ جهانی دوم نهایتاً در سال ۱۹۴۴م، منجر به اختراع موشک توسط

آلمان‌ها^۱ و پس از آن بمب اتم در سال ۱۹۴۵، توسط آمریکایی‌ها^۲ در سال آخر جنگ شد. دولت شوروی رقیب آمریکا بعد از جنگ دوم جهانی که احساس خطر زیادی از حرف داشت، با بسیج دانشمندان هسته‌ای و تلاش پیگیر در سال ۱۹۴۹، به بمب اتم دست یافت. هند و پاکستان براساس ضرورت مبارزه با یکدیگر و خصوصیت پیگیر بعد از جنگ جهانی دوم بر سر کشمیر و آزمایشات هسته‌ای به بمب اتمی دست یافتند.

معلول نیازهای مادی و معنوی بودن، اگر تنها عامل مهم رشد تمدن نباشد، یکی از مهم‌ترین و یا برجسته‌ترین علت حرکت آدمی به‌سوی استفاده از اندیشه و تعقل وی بوده و است. نمونه‌های مهمی از اختراقات بشری در این راستا صورت گرفته که بدان اشاره شد.

۲. تساهل و تسامح حکومت و مردم، عامل دیگری است که می‌تواند در رشد و توسعه تمدن مؤثر واقع شود هیچ اجتماع مردمی را نمی‌توان یافت که بدون استفاده از آثار درخشنان تمدن‌های قبلی یا همزمانیان مشغله‌دار تمدن شده و در علوم و فنون متبع‌شوند. راه استفاده از آثار سایر تمدن‌ها، تسامح داشتن و حساسیت نشان ندادن نسبت به کتاب‌ها و ابتكارات علمی دانشمندان آن تمدن‌های است. اگر در جامعه‌ای حس عمومی به سمت و سوی استفاده از تألیفات گرانقدر تمدن‌های درخشنان نباشد و یا حاکمان تعصبات ضد علمی داشته باشند، شرایط برای رشد علمی و تمدنی آن جامعه فراهم نخواهد شد. البته دایره این تسامح گستردۀ است تساهل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی هم از عوامل تمدن‌ساز است و فقط تساهل علمی مدنظر نمی‌باشد.

در واقع تسامح مسلمانان در استفاده از آثار تمدن‌های پیشین مثل کتاب‌های یونانیان آنان را به‌سوی برپایی تمدنی عالی کشانید. سعه صدر عباسیان در برخی از دوره‌ها و تسامح دولت‌های سامانیان و آل بویه در رشد علمی و خیزش فرهیختگان و تدوین آثار فراوان علمی مؤثر بود. اصرار اروپائیان در استفاده از متون علمی مسلمانان در جریان دوره دویست ساله^۳

۱. دولاندلن، تاریخ جهانی، ج ۲، ص ۴۳۸.

۲. همان، ص ۴۴۰.

۳. باید توجه داشت که از این دوران دویست ساله سه چهارمین صلح و تقریباً یک چهارمین جنگ بود و در زمان نبردهای نیز ارتباطات تجاری و علمی طرفین با یکدیگر قطع نشده بود. ابن جیبر به عنوان یک سیاح مسلمان در اوج نبردهای صلیبی در زمان صلاح الدین ایوبی به متصرفات صلیبیون در غرب مدیترانه مسافرت و مطالب ارزنده‌ای در این باره ارائه می‌دهد. ر.ک: عباسی، «سفرنامه ابن جیبر»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۷۷-۷۸، ص ۳۱-۳۵.

جنگ‌های صلیبی و پس از آن باعث بیداری اروپا و آغاز عصر رنسانس گردید. این هردو با تعصب امکان‌پذیر نبود. یکی از دلایلی که عثمانی‌ها توانستند در قرن‌های ۱۸ و ۱۹ تحول علمی و توسعه تمدن غربی را خوب بشناسند و حداقل فنون نظامی جدید آن را اخذ نمایند تعصب ضد مسیحی آنان بود و اینکه زبان فرانسه زبان کفار است و اینکه کمک نظامی و فراغیری فنون نظامی فرانسویان به شکست محکوم است شعار غالب حکمرانان عثمانی بود عاصم افندی موّرخ رسمی دربار عثمانی می‌نویسد: «ما به دانش و کارشناسی غرب اعتقاد نداریم»^۱ و آنان توانستند خود را با شرایط جدید نظامی اروپا و جهان مطابقت دهند. اگرچه برخی از افراد ضرورت تسامح در اخذ دانش از فرنگ را متذکر می‌شدند ولی جو غالب در میان دولتمردان و نخبگان جامعه این‌گونه نبود. همان موّرخ در جای دیگری می‌نویسد: «مساوات فقیر و غنی کار زشتی است شعار انقلاب فرانسه است انقلاب فرانسه هم یک انقلاب ملحدانه بود...»^۲ سخنانی مشابه از نویسنده‌ای مطرح دیگر به نام واصف در همان دوره نقل شده که مشابهت زیادی با منظور و مقصد عاصم افندی دارد. وی در ارتباط با اخذ فنون نظامی جدید غرب عقیده‌ای عجیب آن هم بعد از شکست‌های بزرگ عثمانی از اروپائیان ابراز می‌دارد: «... به هر حال هیچ‌گونه نیازی به سلاح‌های پیشرفته نداریم؛ زیرا پیروزی و شکست در دست خداست...»^۳ فرانسوی‌ها با آنان خدعاً کرده بودند و تأثیر این مکر و فریب باعث شده بود عثمانی‌ها رویه مثبت (دانش‌دوستی) و رویه منفی (غارتگری) تمدن غرب را بد دانسته و از آن دوری بجوینند.

۳. مدیریت صحیح حکومت‌ها و شایسته‌سالاری، عامل دیگری که می‌تواند در رشد و گسترش تمدن مؤثر باشد، مدیریت صحیح حکومت‌ها و شایسته‌سالاری آنان است. درایت دولت‌ها در تشخیص نخبگان در بین قشرهای مختلف مردم و سپردن امور به آنان و مطرح کردن شایستگان و از قوه به فعل درآوردن استعدادهای آنان، در رشد فرهنگی و تمدنی جوامع می‌تواند بسیار اثرگذار باشد، شایسته‌سالاری جامعه می‌تواند در مدیریت صحیح حکومت‌ها

۱. حائری، «نخستین رویارویی اندیشگران مسلمان با دو رویه تمدن بورژوازی غرب»، فصلنامه مطالعات تاریخی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره مسلسل ۹ و ۱۰، ۱۳۷۰، ص ۱۱۵.

۲. همان، ص ۱۱۵.

۳. همان، ص ۱۱۶.

صورت پذیرد ارزش گذاشتن و ارج نهادن به دانش و دانشمندان می‌تواند زمینه‌های توسعه تمدن جامعه را فراهم سازد.

انحصارگرایی حکومت‌های خودکامه و استبدادی و غرور دولتمردان آن مانع از استفاده صحیح و مطلوب از امکانات موجود در جامعه می‌گردد. عمله تلاش مدیران در نظام‌های دیکتاتوری حفظ سمت‌های پردرآمد و بدون دردرس بوده و بدیهی است در این راستا اجازه انتقاد نیز داده نمی‌شود و با مخالفان نیز به سختی برخورد می‌شود. مهم‌ترین دلیل کندی رشد صنعتی کشورهای کمونیستی به نسبت کشورهای اروپای غربی و آمریکای شمالی با وجود داشتن امکانات فراوان در سال‌های ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۵ م، نوع حکومت بود. البته در نظام‌های استبدادی هم کارایی دولت بسته به نبوغ سیاسی و درک و فهم دولتمردان و به خصوص نوع تدبیر شخص اول مملکت می‌تواند متفاوت باشد به عنوان نمونه در ایران عصر صفوی که یک دوره حدوداً ۲۲۸ ساله می‌شود (۹۰۷ تا ۱۱۳۵ ه.ق.) به طور تقریبی بیشتر نخبگان و دانشمندان اعم از فلاسفه، ریاضی‌دانان، معماران، خطاطان، نقاشان مربوط به دوران شاه عباس اول (۹۹۶ تا ۱۰۳۸ ه.ق.) می‌شوند. صاحب تدبیری کسی که در رأس نظام فرد محور قرار دارد تأثیرات زیادی بر رشد جامعه و فعلیت یافتن استعدادی‌های بالقوه دارد و بر عکس اگر کسی که در رأس نظام دیکتاتوری قرار می‌گیرد فقد صلاحیت‌های مزبور باشد تأثیر آن آشکار شده حتی ممکن است آثار سوء آن در کوتاه‌مدت ظاهر شود.

۴. آب و هوا؛ عامل جغرافیایی آب و هوانیز می‌تواند در رشد تمدن مؤثر باشد. هیچ تمدن باشکوهی در مناطق بسیار سرد مثل قطب یا مناطق بسیار گرم به وجود نیامده است، بیابان‌های صحرای بزرگ آفریقا و یا کویرهای حجاز در قبل و بعد از اسلام محل پرورش دانشمندان و پایگاه تمدنی نبوده و مکان‌هایی که شرایط برای پیدایش شهرهای بزرگ فراهم نیست، تمدن‌ساز هم نبوده است. آب و هوای مناسب برای اقامت افراد در یک منطقه و استفاده آنان از اندیشه یکدیگر و نهایتاً در رشد و توسعه تمدن مؤثر است. از نسل همان تمیمیان و قریشیانی^۱ که در بیابان‌های حجاز از لحظ علمی رشدی نداشتند بعدها و بعد از سکونت در ایران در برخی

۱. مثل ابوالفرح اصفهانی که از نسل بنی‌امیه قریش بود و نویسنده‌ای بنام با شهرتی جهانی شد. نسب سمعانی نیز که در شهر مرو متولد و به مقامی بلند رسید به قبیله تمیم از اعراب شمالی می‌رسید. عیاشی مفسر معروف نیز خراسانی عرب‌نژاد و تمیمی الاصل بود.

موارد در شهرهای ایران دانشمندان بزرگی شدند و یا از نسل ثقفیانی^۱ که در طائف به جایگاه علمی مهمی نمی‌رسیدند، دانشمندانی در کوفه و بغداد ظاهر شدند.

نخستین تمدن‌های بزرگ بشری در کنار رودخانه‌های بزرگ به وجود آمدند رودخانه هلیل رود در مرکز فلات ایران، دجله و فرات در عراق و نیل در مصر. تغییرات آب و هوایی در ایجاد یا انحطاط تمدن‌ها مؤثر بوده است. با کشف صدها تپه باستانی در منطقه جیرفت کرمان و اطراف آن این فرضیه مطرح شده است که رودخانه هلیل رود در شش هزار سال پیش برای مدتی طولانی حدود هزار سال محل تمدنی بسیار غنی بوده و ساکنان آن پس از خشک شدن تدریجی هلیل رود و دریاچه‌های داخلی فلات ایران به میان دورود (میان رودان = بین النهرين) مهاجرت کرده و اولین اجتماعات تمدنی را بیرون از مرزهای کنونی ایران پایه‌گذاری کرده‌اند.^۲

۵. نژاد، برخی افراد مانند نیچه عامل نژاد را در تمدن مؤثر می‌دانند. افرادی نیز تمام نژادهای بشر را در تمدن بشری مؤثر می‌دانند ویل دورانت و سیدنی پولارد^۳ از این جمله‌اند. واقعیت این است که در طول تاریخ بشر هیچ نژاد خاصی به‌طور ثابت و مستمر مشعلدار تمدن نبوده است و همواره مراکز مهم تمدنی در طی قرن‌ها در حال جایه‌جایی بوده‌اند. زمانی قبطیان مصری و زمانی یونانی‌های غربی و زمانی ایرانیان آریایی و... مشعلدار تمدن بوده‌اند. همچنین برخی از اختراعات بزرگ مثل کاغذ، قطب‌نما، باروت، چاپ را چینی‌ها کشف کردند و هندی‌ها مهم‌ترین ابتکارات و خلاقیت‌ها را در شیوه عدندویسی داشتند و در بین نژادهای اروپای غربی نیز تمدن در بین مردم کشور خاصی همیشه در اوج نبوده است. شروع رنسانس و تحول علمی اروپا از ایتالیا بود و بعدها انقلاب صنعتی ابتدا در انگلیس رخ نمود و بعد از جنگ دوم جهانی آلمان‌ها و فرانسوی‌ها از انگلیس پیشی گرفتند. در حال حاضر نیز غول‌های صنعتی جهان^۴

۱. مثل ثقفی اصفهانی که اصالتش به قبیله ثقیف در طائف می‌رسید؛ ولی در اصفهان دانشمند بزرگی شد. از نسل قبیله خزرج و صحابی معروف رسول خدا(ص) خزیمه ذوالشهادتین در بیهق، ابن‌فندق مؤلف کتاب معروف تاریخ بیهق بُرخاست. از همان قبیله ابوالفتح رازی مؤلف تفسیر معروف روض الجنان نیز در خراسان و شهر نیشابور بُرخاست.

۲. محمدصادق نظمی افشار، «از کرمان تا سومر انهدام تپه‌های تاریخی در جیرفت کرمان»، مجله آناهید، سال نخست، شماره ۳، آبان و آذر ۱۳۸۳، ص ۴۳.

3. Sydeny pulard

۴. غول‌های صنعتی جهان عبارتند از: آمریکا، ژاپن، آلمان، فرانسه، انگلیس، ایتالیا و کانادا.

از یک نژاد خاص نیستند و یا در یک قاره جمع نشده‌اند و کشورهایی نزدیک هم و از یک نژاد^۱ دارای پیشرفت‌های کاملاً متفاوت از هم در مناطقی از جهان وجود دارند. و این مهم نشان‌دهنده این است که نژاد عامل مهمی در توسعه تمدن نیست و می‌تواند تحت تأثیر سایر عوامل دست کم کمنگ شود.

۶. مهاجرت؛ برخی از پژوهشگران تمدن را معلول مهاجرت می‌دانند. این افراد معتقدند بعد از مهاجرت تمدن پدید می‌آید و در اصل پیدایش تمدن پس از هجرت اجتناب‌ناپذیر است. بنا به نظر برخی پژوهشگران در تاریخ بشر هیچ تمدنی نیست که پیرو یک مهاجرت صورت نگرفته نباشد. قدیمی‌ترین تمدن شناخته‌شده جهانی پس از اولین مهاجرت شناخته‌شده شکل گرفته و آخرین تمدن کنونی که در جهان می‌شناسیم تمدن آمریکاست که آن هم یک تمدن مهاجرتی است.^۲ به نظر دکتر شریعتی مهاجرت موتور تحرک تاریخ انسان است، مهاجرت عامل نابودکننده سنت‌های منجمد، جامعه‌های منحط و روح‌های بسته است و مهاجرت عامل خلاقیت روحی، سازندگی انسانی و تحرک اجتماعی در تاریخ بشر است و مهاجرت انسان راکد را تبدیل به انسان متحرک و انسان ناشایست دربند محیط را تبدیل به انسان سازنده محیط می‌کند.^۳

شاید هر مهاجرتی باعث پیدایش تمدن نباشد یا حداقل تمدنی عالی را سبب نشود؛ ولی در برخی از تمدن‌ها هجرت دست کم بی‌تأثیر نیست. هجرت آریایی‌ها به فلات ایران و سکونت آنان در مناطق مختلف آن کشور، هجرت رسول گرامی اسلام علیه السلام از مکه به مدینه مقدمه‌ای جهت تأسیس حکومت از سوی ایشان و پایه‌ریزی تمدن اسلامی بود. هجرت عرب‌ها در آستانه صدر اسلام و پس از انتشار آن دین، باعث پیدایش شهرهایی مثل کوفه، بصره، بغداد، فسطاط، قاهره، قیروان و... شد. قطع به یقین، این مهاجرت‌ها و تشکیل شهرها در رشد تمدنی مؤثر بوده است. هجرت ساکنان اروپای جنوب غربی به آمریکای لاتین و هجرت مردم اروپای غربی به آمریکای شمالی نمونه‌هایی دیگر از این نوع است.

۱. تفاوت محسوس فرهنگی و تمدنی کشورهای کره شمالی و کره جنوبی در شبه‌جزیره کره بعد از جنگ شبه‌جزیره کره تاکنون و یا وضع تمدنی و توسعه متفاوت آلمان شرقی و آلمان فدرال بین سال‌های ۱۹۴۵ تا ۱۹۹۰.

۲. شریعتی، هجرت و تمدن، ص ۱۰-۱۱.

۳. همان، ص ۸-۲۷.

با وجود این، مهاجرت‌هایی نیز صورت پذیرفته که نه تنها مسبب تمدن نبوده است، بلکه تخریب کننده تمدن‌های دیگر نیز بوده است. مهاجرت کوچ‌نشینان همراه مغولان و تیموریان از آسیای میانه به داخل فلات ایران باعث ایجاد تمدن نشد. در تمام دوران حکومت ایلخانان و تیموریان مهاجرت‌ها ادامه داشت، آیا این مهاجرت‌ها باعث ایجاد تمدن‌هایی عالی شد؟ آیا این مهاجرت‌ها حداقل زمینه‌های پیشرفت در قرن‌های بعدی را فراهم ساخت؟ اگر در مناطقی بر اثر این هجرت‌ها تمدن‌هایی جدید شبیه عثمانی‌ها پدیدار شد در نقاطی دیگر از جهان اسلام اثرات تخریبی آن بیشتر بود. در دولت عثمانی و تمدن آنان نیز علوم و فنون از قرن‌های اوچ‌گیری تمدن اسلامی در قرن‌ها قبل از پیدایی آنان فراتر نرفت. عثمانی‌ها از منظر نظامی در قرن ۱۶ میلادی برترین قدرت جهان بودند؛ ولی از لحاظ علمی چنین ویژگی و ابهتی را نداشتند.

۷. تعلیم و تربیت؛ عاملی که بعضی جامعه‌شناسان^۱ آن را در ایجاد و رشد تمدن بسیار مؤثر می‌دانند، تعلیم و تربیت است. نوع تعلیم و تربیت و اسلوب آن در دوران کودکی افراد در مضمّن یا سست اراده بودن آنان در سنین میانسالی و بزرگسالی بسیار مؤثر است. این موضوع در کل جامعه می‌تواند باعث ایجاد یا انحطاط تمدن‌ها شود. روشه^۲ در این زمینه می‌نویسد: «تحلیل توسعه اقتصادی مربوط به تعدادی از کشورهای صنعتی بین سال‌های ۱۹۲۵ و ۱۹۵۰ م، نشان می‌دهد که کشورهایی که در سال ۱۹۲۵ م، در کتاب‌های درسی آنها انگیزه موفقیت قوی تری مطرح شده، پیشرفت و توسعه اقتصادی سریع‌تری از دیگران داشته‌اند». ^۳ در مطالعات مربوط به عهد باستان نیز این موضوع عینیت داشته و از مطالعه درباره چهل و پنج جامعه باستانی مشخص می‌شود که جوامعی که انگیزه موفقیت در آنها بیشتر بوده است دارای فعالیت اقتصادی گسترده‌ای بوده‌اند.^۴ قطع به یقین، نوع تفکر حاکم بر جامعه و اندیشه نویسنده‌گان مقالات در روزنامه‌ها و مجلات و سبک و سیاق فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیونی همگی می‌توانند در طرز فکر افراد جامعه و شکل‌گیری تمدن در یک جامعه تأثیرگذار باشد.

۸. دین؛ تأثیر دین بر تمدن هم همواره مورد توجه پژوهشگران و جامعه‌شناسان بوده و هست. کسانی دین را تمدن‌ساز و افرادی نیز آن را مانع توسعه تمدنی می‌دانند. تأثیر منفی تسلط

۱. روشه، تغییرات اجتماعی، ۱۸۹-۱۸۸.

2. Guy Rocher

۳. همان، ص ۱۸۸.

۴. همان.

کلیسا بر اوضاع علمی و عقب‌ماندگی اروپا در قرون وسطی باعث شده تا کسانی دین را در تضاد با توسعه و تمدن بدانند. واقعیت این است که برخی ادیان یا برخی برداشت‌ها از برخی ادیان باعث عقب‌ماندگی و مانع توسعه یافته‌گی است. تفکر وهابی - طالبانی در اسلام مانع نوآوری و ابتکار و باعث عقب‌ماندگی است. نوع مسیحیت حاکم بر اروپا در قرون وسطی که به علوم عقلی و غیر دینی اهمیتی داده نمی‌شد و حتی مخترعانی که خلاف عقاید کلیسا^۱ را عنوان می‌نمودند محاکمه می‌شدند، با تمدن در تضاد بود. مذاهب پروتستان در عهد جدید و معاصر در پیشرفت صنعتی کشورهای دارای این مذاهب مؤثر بوده است. درباره جایگاه علوم در دین اسلام در فصل سوم همین اثر بحث خواهد شد.

تمدن اسلامی

تمدن اسلامی با هر قراتی، یکی از دوره‌های مهم در سیر تمدن بشری است. اهمیت این تمدن نه تنها در واسطه بودن آن میان مواریث تمدن‌های پیشین و تمدن نوظهور غربی و نه فقط در گستره وسیع جغرافیایی و زمانی آن، بلکه در قرائت و طرح نویی است که بر مبنای آموزه‌های وحیانی از تمدن ارائه کرد. تمدنی که بنیان آن در بستر بکر و بایر جغرافیای انسانی جزیره‌العرب به مرکزیت مدینة النبی پدید آمد و در کمتر از یک سده در جغرافیای پهناوری از مرزهای چین در شرق تا اندلس در غرب و از حدود قفقاز در شمال تا یمن و صحاری مرکزی آفریقا در جنوب سایه گستردگی داشت. پس از آن با اقتباس انواع مواریث تمدن‌های پیشین و جذب و ترکیب و تألیف آنها با فرهنگ اسلامی به صورت تمدنی که کمترین دستاوردهای آن وحدت‌بخشی و یکسان‌سازی میان مشترکات، مؤلفه‌ها و صورت‌های متکثر تمدن‌های بشری بر مبنای آموزه‌های دینی اسلام بوده است. البته این تمدن نیز همچون دیگر تمدن‌ها به دلیل سرشت انسانی، اجتماعی و این‌جهانی بودن و مطابق سنت تاریخی حاکم بر تمدن‌ها پایدار نماند و به رکودگرایید و سرانجام شاکله تمدنی اش در مواجهه با تمدن نوظهور غربی از هم گسیخت. گرچه تمدن اسلامی نیز با سیر کلی تاریخ تمدن بشری پیوستگی ذاتی دارد و قابل تجزیه از آن نیست، در عین حال دوره‌ای متمایز و ممتاز در آن است. این تمایز و امتیاز نه تنها نسبت به تاریخ دیگر اقوام و تمدن‌ها، بلکه نسبت به تاریخ عرب پیش از اسلام که قرآن از آن به جاھلیت

۱. مثل گالیله که به واسطه طرح بحث نجومی چرخش زمین به دور خورشید مورد محاکمه قرار گرفت.

یاد می‌کند قابل فهم است. به بیان دیگر آموزه‌های اسلامی به اعراب مسلمان که نخستین زمینه انسانی اسلام بودند هویت فکری، اخلاقی، اجتماعی و سیاسی تازه‌ای بخشید و همین هویت تازه احساس شعور تاریخی مستقلی را نسبت به گذشته تاریخی آنان برانگیخت، به نحوی که به تدریج آنان جایگاه تاریخی با ویژگی‌های خاص را برای خود نه فقط نسبت به گذشته و گذشتگان، بلکه نسبت به پیروان دیگر ادیان و نیز اقوام و ملت‌ها احساس کردند. سخنان جعفر بن ابی طالب^{علیه السلام} در برابر نجاشی در توصیف اوضاع فکری و اخلاقی عرب پیش از بعثت و پس از آن را وصف کرد و نیز سخنان حضرت علی^{علیه السلام} که بارها مردم کوفه را از بازگشت به سنت‌های ناپسند دوره جاهلیت نهی می‌کردند.^۱ گواه روشنی بر تمایز دوره اسلامی از جاهلیت است.

دوره‌ها و تمدن‌های بشری به لحاظ مبانی و مؤلفه‌ها، ساختارها و اهداف، از لحاظ وضع تقویم و پایه‌گذاری و تاریخ‌گذاری نیز نشان‌دهنده درک این ضرورت است که ناشی از تحولات تدریجی در جامعه اعراب ایجاد شد.^۲

اهمیت تمدن اسلامی

میراث فرهنگ و تمدن اسلام به هیچ وجه کمتر از میراث یونان باستان نیست. اسلام نه تنها به عنوان یکی از ادیان بزرگ الهی حائز سهمی بسزا در تحولات تاریخ بشری است، بلکه به واسطه نگاه ویژه به اجتماع و سیاست که حاصل آن ظهور تمدن و فرهنگی مختص به خود بوده و نیز حضوری پررنگ‌تری در عرصه تاریخ جهان یافته است. به گونه‌ای که شناخت تاریخ تمدن جهانی بدون عنایت ویژه به تاریخ تمدن اسلامی تقریباً ناممکن است. از همین روی محققان و پژوهشگران غربی از همان آغاز آشنایی با مشرق زمین به این مهم پی برد و با نگرشی خاص خود تا عصر حاضر بخشی از آثارشان را به شناخت جنبه‌های گوناگون تاریخ و فرهنگ اسلامی اختصاص داده‌اند و با وجود این غالب ایشان به تمدن و فرهنگ اسلامی نگاه موزه‌ای دارند و آن را واقعیتی مربوط به گذشته می‌دانند که یک بار اتفاق افتاده و به رغم درخشش اولیه و تأثیر در

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۶۶، نامه ۱۸.

۲. برای اطلاع بیشتر ر. ک: مفتخری، «ایران و اسلام هویت ایرانی، میراث اسلامی»، جستارهای تاریخی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۴، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، ص ۹۳-۱۱۱.

رشد و گسترش تمدن بشری اکنون شعله‌های آن خاموش گشته و به تاریخ پیوسته و سخن از احیا و بازسازی آن امری مهم است.

مورخان جهان عرب هم که در زمینه معرفی و یازیابی عناصر تاریخ و فرهنگ و تمدن اسلام گام‌های بلند برداشته‌اند به طور عمده دچار عرب‌گرایی شده‌اند و میراث اسلامی را اغلب در چهارچوب میراث عربی بررسی و به ناحق تمدن اسلام را با تمدن عرب یکسان فرض کرده‌اند. غافل از اینکه شکل‌گیری تمدن سترگ و تازه در جهان به نام تمدن اسلام در اصل معلول دیدگاه جهان‌شمول اسلام بوده است بر این مبنای تا حد بسیاری براساس میراث تمدنی سایر اقوام و ملل شکل گرفته است، بنابراین محصور کردن و مساوی دانستن آن با عرب و تمدن عربی نامیدن آن اشتباهی فاحش است.^۱

این در حالی است که باید توجه داشت آنچه این تمدن را جهانی کرده است در واقع نیروی شوق و اراده کسانی است که خود را از هر قوم و ملتی که بودند به هر حال منادی اسلام بوده‌اند و تعلیم آن بدین‌گونه مایه اصلی این معجون که تمدن و فرهنگ اسلامی خوانده می‌شود و در واقع اسلام بود که انسانی بود و الهی و نه شرقی و نه غربی.^۲

آغاز توجه متفکران مسلمان به تمدن اسلامی

از زمان نگارش مقدمه ابن خلدون (۷۵۷ق) تا دهه چهارم قرن نوزدهم میلادی اثربار در میان مسلمانان که اشاره‌ای به مفهوم تمدن کرده باشد، دیده نشده است. هرچند مسلمانان در مواجهه با تمدن جدید غرب متوجه قدرت جدید اروپا و پیشرفت‌های علمی و صنعتی آن شدند این توجه به معنای درک تمدنی از غرب نیست به نظر می‌رسد نگارش تاریخ عمومی تمدن اروپا توسط گینزو در ۱۸۲۸م، تأثیر مهمی در درک تمدن در میان متفکران مسلمان و همچنین آغاز طرح مباحثی درباره تمدن اسلامی در میان آنها داشته است. زمانی که گینزو در فرانسه این مباحث را مطرح کرد. طهطاوی اندیشمند مصری در فرانسه حضور داشت وی پس از بازگشت از فرانسه تلخیص الإبریز فی تلخیص باریز را در سال ۱۸۳۴م منتشر کرد. تلخیص الإبریز یکی از نخستین

۱. برای اطلاع بیشتر از این نوع نگرش عربی‌سازی تمدن اسلام ر.ک: زیدان، تاریخ تمدن اسلام، و نیز حتی فلیپ خوری، تاریخ عرب.

۲. زرین کوب، کارنامه اسلام، ص ۲۹.

آثار متفکران مسلمان است که به مفهوم تمدن توجه کرده است. طهطاوی در این کتاب پس از تعریفی که از جوامع متmodern ارائه کرد، از جوامعی همچون مصر، شام، یمن، روم، عجم، افرنج و مغرب به عنوان جوامع متmodern یاد کرد؛ اما اشاره‌ای به تمدن اسلامی یا تمدن مسلمانان نکرد.^۱ اما نکته قابل توجه و شاید تعجب‌آور، آنکه پرنگترین نگاه به تمدن اسلامی در روشنفکران مسلمان متقدم در شبیه‌قاره هند و در میان آثار سید امیرعلی هندی دیده می‌شود که در آثاری که در لندن و هند به نگارش درآورد به تشریح عصر طلایی تمدن اسلامی در اوج دوران خلفای عباسی، فاطمی و خلفای اموی اندلس پرداخت و به دنبال آن در امپراطوری عثمانی به تمدن اسلامی توجه شد و آثاری در حوزه تمدن اسلامی نگاشته شد. در دو دهه پایانی قرن نوزدهم میلادی آثار معدودی در زمینه تاریخ‌نگاری تمدن اسلامی نگاشته شد؛ اما متفکران مسلمان از سال‌های آغازین قرن بیستم میلادی دست به نگارش آثار متعددی در تمدن اسلامی زدند که هرچه به پایان قرن بیستم نزدیک می‌شویم بر تعداد این آثار افزوده می‌شود. مهم‌ترین این آثار در چهار حوزه زبان عربی، فارسی، ترکی و انگلیسی قابل بررسی است.^۲

قابل توجه است که در متون کهن فارسی تمدن عموماً در معنای لغوی آن به کار رفته است؛ اما از دوره ناصرالدین شاه به بعد به تدریج کاربرد تمدن در معنای لغوی آن منسوخ شده است. در این دوره از واژه تمدن برای بیان پیشرفت و ترقی کشورهای اروپایی و همچنین به عنوان معادلی برای واژه فرانسوی «civilization» استفاده شد و تمدن به تدریج از معنای اصطلاحی امروزین خود را یافت چنان‌که سید جمال الدین اسدآبادی در برخی از مکتوبات خود از تمدن و دول معظمه تمدنی استفاده کرده است.^۳

همچنین میرزا فتحلی خان آخوندزاده در کنار استفاده از واژه «سیویلیزاسیون» واژه تمدن را نیز به عنوان معادل در نوشه‌های خود به کار برده است. یا محمدحسن خان صنیع‌الدوله در کتاب چهل سال تاریخ ایران در موارد زیادی از واژه تمدن استفاده کرده است. در کنار رایج شدن واژه تمدن در معنای جدید در متون گوناگون فارسی، متفکران ایرانی

۱. برای اطلاع بیشتر ر. ک: حضرتی و دهقانی، «متفکران مسلمان و شناسایی تمدن اسلامی»، *فصلنامه علمی و پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، سال ۷، شماره ۲۴، پاییز ۱۳۹۵، ص ۴۹-۸۰.

۲. همان، ص ۴۹-۸۰.

۳. اسدآبادی، «اسناد تاریخی تازه از سید جمال الدین اسدآبادی یک نامه کم‌نظیر و جامع»، *مجله درس‌های از مکتب اسلام*، شماره ۶، ص ۴۹-۵۰.

دست به کار تعریف اصطلاحی تمدن نیز شده‌اند چنان‌که آخوندزاده تمدن را چنین تعریف کرده است "نتیجه ترقی را در این روزگار «سیویلیزاسیون» می‌نامند «سیویلزاسیون» لفظ عمومی است که در ضمن آن جمیع صنایع و فنون و اقتدار دولتی و آسایش ملتی و امثال اینها و انواع و اقسام شروط مدنیت مندرج و مفهوم است" (آخوندزاده، میرزا فتحعلی (۱۳۵۱)، مجموعه مقالات، گردآورنده باقر مؤمنی، تهران، آوا، ص ۱۹۶) / و بدین ترتیب معنای اصطلاحی تمدن کاربرد پیدا کرد چنان‌که در تعاریف علی‌اکبر دهخدا، دکتر علی شریعتی و... می‌توان دید.

در جهان عرب در آغاز دوره جدید قرن نوزدهم میلادی متفکران عرب در اثر تماس با جهان اروپایی و مطالعه آثار اروپایی برای ترجمه واژه فرانسوی «civilization» بیشتر از واژه تمدن استفاده می‌کردند به تدریج از دهه‌های پایانی قرن نوزدهم میلادی شاهد به کارگیری واژه «حضارة» در متون عربی هستیم شاید دلیل این اتفاق توجه متفکران اروپایی به ابن خلدون و دیدگاه‌های وی در مقدمه‌اش در طی قرن نوزدهم میلادی و در پی آن توجه اعراب به ابن خلدون باشد.^۱ و در طی قرن بیستم میلادی واژه حضارة در معنای اصطلاحی آن در متون عربی کاربرد زیادی یافت.^۲

عناصر سازنده تمدن اسلامی

اسلام به مثابه دینی تمدن‌ساز، در منطقه‌ای ظهر کرد که از هر سو تمدن‌هایی بزرگ آن را احاطه کرده بودند؛ اما همان‌گونه که سرزمین خشک جزیره‌العرب از رطوبت دریاهای اطراف محروم بود، نسیم فرهنگ و اندیشه تمدن‌های پیرامون نیز در این سرزمین چندان وزیدن نگرفت. اسلام در هنگامه‌ای پا به عرصه گیتی نهاد که به علل گوناگون تمدن‌های منطقه‌ای دوره بالندگی خود را پشت سر نهاده، رو به ضعف می‌رفتند و این خود یکی از عوامل مؤثر در گسترش اسلام بود. دینی که پیامبر اسلام حضرت محمد ﷺ آورد به زودی از مرزهای جزیره‌العرب گذشت، امپراطوری‌های بزرگ را به چالش واداشت از اندلس در غرب تا مرزهای چین در شرق را درنوردید و تمدن فرهنگی بنیان نهاد که نقش مهمی در تاریخ تمدن بشری ایفا کرد.

۱. برای آگاهی درباره زندگی و اندیشه‌های ابن خلدون ر.ک: شیخ محمد علی، ابن خلدون، تهران، علمی و فرهنگی.

۲. حضرتی و دهقانی، «متفکران مسلمان و شناسایی تمدن اسلامی»، فصلنامه علمی و پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، سال ۷، شماره ۲۴، پاییز ۱۳۹۵، ص ۴۹-۸۰